

آل شیخ

آل شیخ

آل الشیخ، به علمایی که از نسل محمد بن عبد الوهاب هستند اطلاق می‌شود. طبق معاهده محمد بن عبد الوهاب و سعود، آل الشیخ متولی امور مذهبی و آل سعود متولی امور سیاسی و حکومتی عربستان می‌باشد. به مرور زمان در سایه رابطه دو سویه آل سعود و آل شیخ، عربستان سعودی زیر نفوذ کامل این دو خانواده قرار گرفت. آل شیخ از قدرت سیاسی آل سعود برای اعمال نفوذ مذهبی سود جست و آل سعود مشروعیت بسیاری از اعمال خود را از فتاوی‌ای آل شیخ یافت. وصلت‌های خانوادگی فراوان آل شیخ با آل سعود نیز به قدرت بیشتر و یکپارچگی خانوادگی شان یاری رسانده است. آل الشیخ در همه سازمانها و ارگانهای مذهبی ریاست دارد، از مهم‌ترین سازمان‌های مذهبی عربستان «رابطة العالم الاسلامی» است که آل شیخ در آن نقشی مهم دارند.

نسل محمد بن عبدالوهاب، متولیان رهبری دینی عربستان سعودی این خاندان، از نسل محمد بن عبدالوهاب، پایه‌گذار فرقه وهابیت و از خاندان‌های بزرگ و بانفوذ در عربستان سعودی به شمار می‌روند که کارهای مذهبی این کشور را بر عهده دارند. پیروان محمد بن عبدالوهاب، خود، از نام «وهابی» پرهیز دارند [1] و مذهبشان را «محمدیه» می‌نامند. [2] تعالیم این مذهب بر گفته‌های ابن تیمیه، از فقیهان حنبلی سده ششم ق. با گرایش سلفی، استوار است [3] که با نگاه سختگیرانه به توحید، بسیاری از اعمال دیگر مسلمانان همچون توسل، شفاعت طلبی، زیارت قبور و ندا کردن پیامبر (صلی الله علیه و اله) و اولیا را باطل و نشانه شرک می‌شمرد. [4] دیگر مذاهب اسلامی از جمله حنبلیان همواره با عقاید وهابیت مخالفت ورزیده‌اند. [5] از آغاز دعوت شیخ وهابی، کتاب‌ها و رساله‌های بسیار از مذاهب مختلف در رد بدعت‌های وهابیان نوشته شد که نخستین آن‌ها کتاب فصل الخطاب فی الرد علی محمد بن عبدالوهاب و الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه تألیف برادر پیشوای وهابیان، سلیمان بن عبدالوهاب، است. [6]

اصل و نسب آل شیخ:

محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان بن علی از آل مشرف، از شاخه‌های آل وهبه از قبیله بزرگ تمیم به شمار می‌رود و جد نهم وی مشرف است. [7] او به سال 1115 ق. در عینّه، از شهرهای نجد که اکنون ویران شده [8] به دنیا آمد. نیاکانش از علما [9] بودند و پدر بزرگش از دانشوران نجد و پدرش عبدالوهاب قاضی عینّه بود. [10] او نیز به تحصیل دانش‌های سنتی اهل سنت پرداخت و بخشی از تحصیل علم را در بصره گذراند. اما به تدریج تحت تأثیر کتاب‌ها و اندیشه‌های ابن تیمیه قرار گرفت و اندک اندک با برخی عقاید دیگر مسلمانان به مخالفت برخاست که اعتراض مردم و اخراجش از بصره را در پی داشت. [11] پس از آن به حریمه رفت و سپس رهسپار درعیه از شهرهای نجد شد. حاکم آن دیار، محمد بن سعود، جد بزرگ آل سعود با آگاهی از دعوتش به وی گروید. آن دو طی گفت‌وگوهایی در سال 1158 ق. درباره جنگ با مخالفان نگرش سلفی و غلبه بر دیگر قبایل نجد، به توافق رسیدند. [12] بر پایه این توافق،

حکومت سیاسی و رهبری دینی در دو خاندان «آل سعود» و «آل شیخ» موروثی شد. [13] بدین ترتیب، جد بزرگ آل شیخدر سایه قدرت سیاسی آل سعودروز به روز بر قدرت و نفوذ خود افزود و در حکومت آل سعود، نه تنها مرجعی دینی بلکه مشاوری بلند پایه در کارهای سیاسی شد. [14] آل سعود نیز با یاری نیروی مذهبی محمد بن عبدالوهاب، زمینه شکل گیری حکومت عربستان سعودی را فراهم آورد. محمد بن عبدالوهاب پس از پایه گذاری فرقه وهابیت و نشر آن در میان برخی قبایل نجد، در زمان سلطان عبدالعزیزسعودی به سال 1206ق. در درعیه درگذشت. [15] پس از مرگ وی، عنوان «آل شیخ» بر فرزندان و نسل او اطلاق شد و آنان راهش را ادامه دادند. [16] نسل محمد بن عبدالوهاب:

وی پنج فرزند به نام های حسین، ابراهیم، علی، عبدالله و حسن [17] و به نقلی چهار فرزند به نام های حسین، ابراهیم، علی و عبدالله [18] به جای گذاشت. افزون بر پسران، وی دختری به نام شیخه فاطمه داشت که با تعلیم برادران و پدرش از زنان دانشور سلفی در سده سیزدهم به شمار می رفت. [19] فرزندان محمد با عنوان آل شیخروش پدر را در پیش گرفتند. آنان پس از نجد، به حجاز، به ویژه مکه و مدینه، توجه کردند. از نظر آل شیخ، مردم مکه کافر بودند و یکی از علمای آل شیخدر رساله ای به اثبات کفر آنان پرداخت. [20] آنان تا سال 1220ق. که وهابیان بر مکه چیره شدند، چندین بار در زمان شریف مساعد، شریف احمد، شریف سرور و شریف غالب، افرادی را برای تبلیغ وهابیت به مکه فرستادند؛ اما پذیرفته نشدند. [21] سرانجام در سال های 1218 و 1220ق. وهابیان در دو هجوم به مکه و مدینه و کشتار و ویرانی بسیار، بر آن دو شهر مسلط شدند. [22]

پس از عبدالله که مانند پدر زعامت دعوت سلفی را بر عهده داشت، فرزندان او، سلیمان و عبدالرحمن نیز راهش را ادامه دادند، هرچند سلیمان بر اقامه دعوت پافشاری بیشتر داشت. در سال 1233ق. هنگام حمله ابراهیم پاشا به درعیه برای نابودی آل سعود، بسیاری از افراد خاندان سعودی و خاندان شیخ کشته شدند. گروهی از جمله عبدالرحمن نیز دستگیر و به مصر تبعید شدند و او پس از مدتی در مصر درگذشت. [23] اما نوادگان وی به عربستان بازگشتند که در ریاض مشهورند و برخی مناصب همچون مدیریت امنیت ملی، سفارت سعودی در بحرین و ریاست تشریفات را بر عهده دارند. [24] علی بن محمد نیز که به مصر تبعید شد، به سال 1245ق. در قاهره درگذشت. نسل او از تنها بازمانده اش محمد هستند که به آل عبدالعزیزبن محمد مشهورند. [25] از نسل حسن و حسین، دو پسر دیگر شیخ محمد، بسیاری زاده شده اند. هم اکنون از نسل حسین شماری بسیار در درعیه زندگی می کنند. [26]

پیمان دو خاندان با تشکیل مجدد حکومت سعودی دنبال شد و آل شیخ در کنار آل سعود، مروجان و مبلغان دعوت وهابی شدند و وهابیت همچنان دین رسمی کشور سعودی بر جای ماند. [27] رهبران دعوت سلفی که مفتیان درجه یک حکومت سعودی هستند، جز عبدالعزیزبن باز همگی از آل شیخ بوده اند: عبدالله بن محمد (1165-1233ق.)، عبدالله بن حسن بن حسین بن علی بن حسین بن محمد (1287-1378ق.) و از سال 1339 محمد بن ابراهیم بن عبداللطیف بن عبدالرحمن بن حسن بن محمد (1311-1386ق.). [28]

جایگاه دینی و سیاسی آل شیخ:

به مرور زمان در سایه رابطه دو سویه آل سعود و آل شیخ، عربستان سعودی زیر نفوذ کامل این دو خانواده قرار گرفت. آل شیخ از قدرت سیاسی آل سعود برای اعمال نفوذ مذهبی سود جست و آل سعود مشروعیت بسیاری از اعمال خود را از فتاوی آل شیخ یافت. وصلت های فراوان آل شیخ با آل سعود [29] نیز به قدرت بیشتر و یکپارچگی خانوادگی شان یاری رسانده است. [30] در

پی گسترش قدرت و نفوذ آل شیخ، اداره کارهای کشور در دو حوزه سیاسی و دینی به دست آن ها افتاد؛ به گونه ای که سه تن از وزرای کابینه، یعنی وزیر دادگستری، وزیر حج و شئون اسلامی و وزیر اوقاف، دعوت و ارشاد با مشورت آل شیخانته می شوند. [31] تشکیلات قوه قضائیه از زمان ملک عبدالعزیز به صورت تدریجی و مرحله ای تحول یافته و بر مبنای شریعت وهابی و زیر نظر مفتی بزرگ آل شیخ اداره می شود. [32] وزارت عدل، هسته اصلی این تشکیلات، به سال 1382 ق. در زمان ملک فیصل تشکیل شد. [33] مهم ترین کسانی که پیش یا پس از تشکیل این وزارت، در سمت ریاست قضا و افتاء بوده اند، عبارتند از: 1. محمد بن ابراهیم بن عبداللطیف بن عبدالرحمن بن حسن (1311-1389 ق.). مفتی کشور سعودی و رئیس قوه قضائیه و سپس رئیس دار الافتاء. [34] 2. عبدالله بن حسن بن حسین آل شیخ (1287-1378 ق.). رئیس القضاة حجاز؛ 3 و 4. دو فرزند عبدالله بن حسن بن حسین آل شیخ؛ حسن و عبدالعزیز که پس از او رئیس القضاة و نایب رئیس القضاة بودند. [35] 5. محمد بن ابراهیم بن عبداللطیف (1311-1386 ق.). رئیس مجلس عالی قضا، تأسیس شده در 1376 ق. برای نظارت بر کارهای قاضیان و انتخاب، ترفیع و بازنشستگی آن ها. [36] 6. عبدالله بن محمد بن عبدالله بن عبداللطیف، رئیس بخش غربی وزارت دادگستری. [37] 7-8. دکتر عبدالله و شیخ ابراهیم، هر دو از فرزندان محمد بن ابراهیم بن عبداللطیف، وزیر دادگستری. 9. احمد بن محمد بن ابراهیم، رئیس قضا. 10. عبدالعزیز بن محمد بن ابراهیم، مشاور دیوان ملکی. [38] 11. عبدالرحمن بن حسن بن محمد، قاضی مکه. [39] 12. حسن بن حسین بن محمد، قاضی ریاض در زمان ترکی. 13. عبدالملک بن حسین بن محمد، قاضی منطقه حوطه. 14. حسین بن حمد بن حسین بن محمد، قاضی حریق در زمان فیصل بن ترکی. 15. حسین بن علی بن حسین بن محمد، قاضی ریاض. [40] 16. عبدالرحمن بن حسن بن محمد بن عبدالوهاب (1193-1285 ق.). قاضی ریاض در زمان ترکی بن عبدالله. [41] 17. محمد بن عبداللطیف بن عبدالرحمن بن حسن بن محمد بن عبدالوهاب (1286-1367 ق.). قاضی شقرا از مناطق نجد. [42] 18. ابراهیم بن عبداللطیف بن عبدالرحمن (1280-1329 ق.). قاضی ریاض در سال 1321 ق. [43] 19. عبدالعزیز بن حمد بن ابراهیم بن حمد الوهیبی التمیمی (1190-1241 ق.). قاضی درعیه و سپس عنیزه و سوق الشیوخ در عراق. [44] 20. صالح بن عبدالعزیز آل الشیخ، از مسئولان کنونی اوقاف. [45]

در قوه مجریه نیز معمولاً آل شیخ تصدی وزارتخانه های فرهنگی، آموزشی و قضایی و زیرمجموعه های آن همچون مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه ها را بر عهده دارند. [46] مهم ترین افراد در این زمره، عبارتند از: 1. عبدالعزیز بن عبدالله بن حسن (1336-1404 ق.). مدیر کل تربیت اسلامی در وزارت معارف؛ سپس وزیر معارف. 2. برادرش حسن (1351-1407 ق.) و وزیر معارف. [47] 3. محمد بن ابراهیم بن عبداللطیف (1311-1386 ق.). مؤسس دانشکده های علوم دینی و زبان عربی در ریاض، دارای نقش عمده در تأسیس دانشگاه مدینه منوره، سپس رئیس آن و رئیس آموزش زنان. [48] 4. عبدالعزیز بن عبدالله بن حسن (1336-1404 ق.) و وزیر معارف. [49] 5. عبدالعزیز بن عبدالله بن محمد بن عبداللطیف، عضو انجمن فرهنگی دوره پنجم. [50] 6. حسن بن عبدالله بن حسن بن حسین آل شیخ (1352-1407 ق.)، وزیر معارف، مدیر آموزش اعلا، نایب رئیس مجلس اعلا دانشگاه ها، ناظر کل مطبوعات و ناظر انجمن جهانی جوانان در ریاض. [51]

در قلمرو مذهبی نیز افتاء، امر به معروف و نهی از منکر و حتی قوانین مربوط به اداره حرمین، بر پایه عقاید وهابی و زیر نظر مستقیم آل شیخ صورت می گیرد. [52] وزارت اوقاف، شئون اسلامی، دعوت و ارشاد و سازمان های دیگر، برای نظارت بر کارهای مذهبی تأسیس شده اند. [53] «هیئت کبار العلماء» بزرگ ترین نهاد تصمیم گیرنده دینی و قضایی است که در سال

1391ق. بر پایه فرمان پادشاه تشکیل و اعضای آن به دستور او انتخاب شدند. این هیئت در بردارنده 20 عالم دینی پیرو مذهب حنبلی با قرائت ابن تیمیه و محمد بن عبدالوهاب است که معمولاً افرادی از آل شیخ در آن حضور دارند. [54] عمده فعالیت اعضای این سازمان، صدور فتواست که نقش مهمی در مسائل مذهبی و سیاسی کشور دارد؛ زیرا در کشور به صورت رسمی از هیچ یک از مذاهب فقهی مشهور اهل سنت پیروی نمی شود، بلکه فتوای همین سازمان که نظر رئیس آن بیشترین نقش را دارد، پایه امور است. [55]

«ادارة البحوث العلمیة و الافتاء» نیز در سال 1373ق. شکل گرفت و شیخ محمد بن ابراهیم آل شیخ به ریاست آن منصوب شد که همزمان مفتی عربستان سعودی و رئیس مرجع قضایی کشور نیز بود. [56] مفتی بزرگ عربستان در حال حاضر شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل شیخ است. مهم ترین افراد آل شیخ که در افتاء، امر به معروف و نهی از منکر، خطابه و امامت مساجد بزرگ صاحب منصب بوده اند، عبارتند از: 1. عبدالعزیز بن عبدالله بن محمد بن عبداللطیف، از اعضای «هیئت کبار العلماء» و خطیب مسجد نمره در روز عرفه. [57] 2. عبدالملک بن ابراهیم (1324-1404ق.). رئیس هیئت های امر به معروف و نهی از منکر در منطقه غربی (حجاز). [58] 3. عمر بن حسن بن علی آل شیخ (1319-1395ق.). رئیس هیئت امر به معروف و نهی از منکر در منطقه شرقی (نجد). [59] 4. عبدالله بن حسن بن حسین آل شیخ (1287-1378ق.). رئیس هیئت امر به معروف، ناظر بخش کتاب و مطبوعات داخلی کشور [60] و مشرف بر حرم مکی و طلاب علوم دینی. [61] 5. عبدالملک بن ابراهیم بن عبداللطیف، رئیس هیئت امر به معروف و نهی از منکر منطقه غربی. [62] 6. شیخ عمر بن حسن آل شیخ، رئیس هیئت امر به معروف و نهی از منکر در منطقه شرقی. [63] 7. عبداللطیف بن محمد بن عبدالرحمن، امام و خطیب مسجد جامع ریاض. [64] 8. عبدالعزیز بن عبدالله بن حسن (1336-1404ق.). امام و خطیب مسجد الحرام و خطیب مسجد نمره. [65] 9. حسین بن محمد، امام و خطیب مسجد جامع درعیه. [66]

از مهم ترین سازمان های مذهبی عربستان «رابطة العالم الاسلامی» است که آل شیخ در آن نقشی مهم دارند. این سازمان حدود 40 سال پیش با عضویت نمایندگان از دیگر کشورها شکل گرفت و از قدرتمند ترین سازمان های مذهبی در عربستان به شمار می آید. [67] مقر این سازمان که در زمان ملک فیصل تشکیل شد، در مکه بود؛ اما در سراسر جهان اسلام دفاتری را گشود و محمد بن ابراهیم آل شیخ ریاست مجلس مؤسسان آن را برعهده گرفت. [68] بودجه سالانه این سازمان افزون بر 200/000/000 ریال سعودی است و طی 10 سال گذشته هزینه ای بسیار برای ساخت بناهای اسلامی و ترویج آیین وهابیت صرف کرده و دولت نیز مبالغ هنگفت برای ترویج اسلام، نشر و حفظ قرآن، مؤسسه ائمه ارشاد و سازمان های خیریه، بیمارستان ها و درمانگاه ها در خارج از کشور هزینه کرده است. 1000 مسجد و صدها مرکز اسلامی در جهان زیر نظر این سازمان فعالیت دارند. نیز این سازمان هزینه احداث 20 مرکز اسلامی، 1259 مسجد، 1069 مدرسه، 200 مؤسسه مذهبی، 134 دانشگاه، 41 درمانگاه، 76 بیمارستان و یک انستیتوی جهان عرب در پاریس را پرداخته است. [69] همه این فعالیت ها در مسیر تبلیغ و گسترش وهابیت صورت گرفته است.

افزون بر حوزه های یاد شده، افرادی از آل شیخ در زمینه شعر و ادب فعالیت داشته اند؛ از جمله: 1. احمد بن عبدالرحمن بن عبدالله. 2. عبداللطیف بن عبدالرحمن بن حسن بن محمد (1225-1292ق.). [70] 3. عبدالله بن عمر بن عبداللطیف. [71] 4. حسین بن حسن بن حسین بن علی (1284-1329ق.). شاعر بلندپایه آل شیخ، دارای اشعاری در رد مخالفان وهابیت. [72] 5. سلیمان بن عبدالله بن محمد (1200-1233ق.). دارای اشعاری در موضوعات مختلف همچون

- مدح جدش، مدح کتاب کشف الشبهات و مسائل علمی مانند ارکان نماز. [73]
- پی نوشت ها**
- [1]. معجم المؤلفین، ج10، ص269.
 - [2]. دائرة معارف القرن العشرين، ج10، ص871.
 - [3]. جزيرة العرب، ص306.
 - [4]. نک: التوحيد الذي هو حق الله على العبيد؛ كشف الارتياب، ص27.
 - [5]. الوهابية في نظر علماء المسلمين، ص4.
 - [6]. ايضاح الممكنون، ج2، ص72؛ برای آگاهی از منابع بیشتر در نقد وهابیت، نک: الوهابية في نظر علماء المسلمين، ص7.
 - [7]. عنوان المجد في تاريخ نجد، ج1، ص133.
 - [8]. كشف الارتياب، ص9.
 - [9]. عنوان المجد في تاريخ نجد، ج2، ص210، 238.
 - [10]. الشيخ محمد بن عبدالوهاب عقيدته السلفية، ص22.
 - [11]. الشيخ محمد بن عبدالوهاب عقيدته السلفية، ص22.
 - [12]. تاريخ نجد، آلوسی، ص157-166؛ تاريخ نجد، فيليبى، ص38.
 - [13]. تاريخ نجد، فيليبى، ص84.
 - [14]. تاريخ نجد، فيليبى، ص84.
 - [15]. الفجر الصادق، ص16-17.
 - [16]. الدرر السنية، ص53-54.
 - [17]. الشيخ محمد بن عبدالوهاب عقيدته السلفية، ص41.
 - [18]. تاريخ نجد، آلوسی، ص166؛ الشيخ محمد بن عبدالوهاب عقيدته السلفية، ص41.
 - [19]. علماء نجد، ج5، ص364.
 - [20]. البدر الطالع، ج2، ص7.
 - [21]. الدرر السنية، ص44.
 - [22]. الدرر السنية، ص45.
 - [23]. الدرر السنية، ص53؛ السلفية بين اهل السنة و الاماميه، ص359؛ الفجر الصادق، ص20.
 - [24]. علماء نجد، ج3، ص117.
 - [25]. علماء نجد، ج5، ص284.
 - [26]. الدرر السنية، ص53.
 - [27]. شناسنامه فرهنگى عربستان، ص50.
 - [28]. علماء نجد، ج1، ص242.
 - [29]. شناسنامه فرهنگى عربستان، ص49.
 - [30]. جزيرة العرب، ص306.
 - [31]. شناسنامه فرهنگى عربستان، ص49.
 - [32]. شناسنامه فرهنگى عربستان، ص103.
 - [33]. شناخت عربستان، ص119.
 - [34]. الشيخ محمد بن عبدالوهاب عقيدته السلفية، ص42.
 - [35]. علماء نجد، ج1، ص234، 238.
 - [36]. علماء نجد، ج1، ص250.
 - [37]. علماء نجد، ج1، ص221.

- [38]. علماء نجد، ج1، ص260-261.
- [39]. الدرر السنیہ، ص53.
- [40]. عنوان المجد، ج1، ص211.
- [41]. الاعلام، ج3، ص304.
- [42]. الاعلام، ج6، ص218.
- [43]. الاعلام، ج1، ص48.
- [44]. الاعلام، ج4، ص16-17.
- [45]. میقات حج، ش24، ص197، «نگاهی به مطبوعات عربستان».
- [46]. شناخت عربستان، ص124.
- [47]. علماء نجد، ج1، ص238.
- [48]. علماء نجد، ج1، ص247، 250، 252.
- [49]. علماء نجد، ج3، ص435.
- [50]. علماء نجد، ج6، ص139.
- [51]. علماء نجد، ج2، ص42.
- [52]. شناسنامه فرهنگی عربستان، ص50.
- [53]. شناخت عربستان، ص124.
- [54]. شناسنامه فرهنگی عربستان، ص49.
- [55]. شناخت عربستان، ص142-143.
- [56]. شناسنامه فرهنگی عربستان، ص54-55.
- [57]. علماء نجد، ج6، ص139.
- [58]. علماء نجد، ج5، ص38.
- [59]. علماء نجد، ج5، ص312.
- [60]. علماء نجد، ج1، ص234.
- [61]. علماء نجد، ج2، ص41.
- [62]. علماء نجد، ج1، ص349.
- [63]. الشیخ محمد بن عبدالوہاب عقیدتہ السلفیہ، ص42.
- [64]. علماء نجد، ج3، ص117.
- [65]. علماء نجد، ج3، ص435.
- [66]. علماء نجد، ج2، ص63.
- [67]. شناخت عربستان، ص143.
- [68]. علماء نجد، ج1، ص251.
- [69]. شناخت عربستان، ص143-144.
- [70]. معجم المؤلفین، ج6، ص11.
- [71]. علماء نجد، ج6، ص137.
- [72]. علماء نجد، ج2، ص59.
- [73]. علماء نجد، ص347.